گنجینه لطایف (عباس به ذوالفقار حیدر نازد)

تسبیحی، محمد حسین

در زبان و ادب فارسی و عربی و زبان و ادب دیگر ملل جهان،لطیفه‏ها و داستان‏های شوخی‏آمیز بسیار فراوان است.لطیفه‏پردازان و نکته‏ دانان و بدیهه‏گویان و بذله‏آفرینان همواره در اجتماع قدر و مقام و مرتبتی‏ داشته‏اند چنانکه امروز هم دارند من بر سر آنم که در زبان و ادب‏ فارسی جست‏وجو و کاوش کنم و لطایف ادبی و ظرایف حکمی و بذله‏های‏ فلسفی و داستانهای دلچسب اجتماعی و قصه‏های شیرین هنری را گرد آوری نمایم و در آخر بار دوستداران و خواهندگان آنها بگذارم. از این طریق دو نفر عاید این حقیر می‏گردد:یکی اینکه شادان و سرمست می‏شوم که لبی را به خنده بگشایم و دلی را به شادمانی بدل‏ سازم و روانی را به خرسندی و آرامش وادارم.دیگر اینکه بدین‏ وسیله جلد دوم«گنجینهء لطایف»اندک‏اندک تهیه و آماده می‏گردد. البته همانگونه که دوستداران ادب و زبان فارسی آگاهند جلد اول‏ «گنجینهء لطایف»شامل یازده بخش در لطایف و ظرایف و بدیهه‏ گویی‏ها و بذله‏آفرینی‏ها با همکاری م.فرداد و این حقیر در سال‏ 1347 از طرف انتشارات بنیاد چاپ و منتشر گردیده است.امیدوارم‏ که در جلد دوم آن نیز توفیق و پیروزی یار و قرین گردد.

تسبیحی

گرد آوردنده:محمد حسین تسبیحی

گنجینهء لطایف

عباس به ذو الفقار حیدر نازد!

بین پادشاهان ایران و هند گفت‏وگوی ادبی و علمی ردوبدل می‏شد، چنان‏که وقتی شاه عباس صفوی این رباعی را به‏طور فخریه برای اکبر شاه‏ پادشاه هند فرستاد:

زنگی به سپاه و فیل و لشکر نازد رومی به سنان و تیغ و خنجر نازد اکبر به خزینهء پر از زد نازد عباس به ذو الفقار حیدر نازد

چون این شعر به اکبر شاه رسید از شاعران دربار خود جواب او را خواست.فیضی این رباعی را گفت و به عرض رسانید:

فردوس به سلسبیل و کوثر نازد دریا به گهر فلک به اختر نازد عباس به ذو الفقار حیدر نازد گونین به ذات پاک اکبر نازد!

اکبر شاه بی‏حد از این جواب شادمان شد و در همان مجلس،منصبی از مناصب بزرگ هندوستان با خلفت زیاد به فیضی داد.و آن جواب را به ایران‏ فرستاد.

(بزم ایران)

بگشای خدایا که گشاینده تویی!

با دخترکی پیر نحیفی گفتا: کای مهر منیر ماه تابنده تویی‏ بین همه گلرخان طناز جهان‏ یکتائی و زیبا و برازنده تویی‏ گر زوجهء من شوی غلام تو شوم‏ مخدوم من پیر،در آینده تویی‏ گفتا که:شوم زن تو اما زین پس‏ من خانم خانه می‏شوم،بنده تویی‏ در شام زفاف،پیر می‏گفت:خدا! ای آنکه به ملک خویش پاینده تویی‏ من پیرم و«در»به روی من بسته شده‏ بگشای خدای که گشاینده تویی!

(نمک‏پاش)

امکان بی‏عقلی دارد!

روزی شیخ صدر الدین رواسی(اسفراینی)که از جملهء خلفای شیخ‏ زین الدین خوافی بود،به سر مزار شیخ زین الدین آمده بود و پیش ایشان‏ در رنگ کرامات می‏گفت که:

-در نیمهء ماه مبارک رمضان این سال امکان دارد که وباء شود! یکی از اکابر در آن مجلس گفت:

-امکان دارد که نشود!

شیخ گفت:

-امکان عقلی ندارد.

حضرت مخدوم گفتند:

-امکان بی‏عقلی دارد.